

فصل سکوت

مریم دلیر صابر جلالی



تابستان ۱۳۹۷

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۴۱۰۲۰ - ۸۸۲۶۷۲۹۸

www.shadan-pub.com
shadan@shadan-pub.com

فصل سکوت

نویسنده: مریم صابر جلالی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۶

ویراستار: مژگان مردمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۵۹-۶

کتابخانه ملی: ۵۰۹۲۸۱۵

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

دلیر صابر جلالی، مریم

فصل سکوت - نویسنده: مریم دلیر صابر جلالی

تهران: شادان ۱۳۹۶ ۶۷۱ صفحه /
(ارمان ۱۳۲۹)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۵۹-۶
ISBN: 978-600-7368-59-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

ف ۷۵ ل ۸۰۴۴ PIR

۱۳۹۶

کتابخانه ملی ایران

۸۴۳،۶۲

۵۰۹۲۸۱۵

یادآوری: کلیه حقوق این اثر متعلق
به انتشارات شادان می باشد و هرگونه
استفاده از آن با مجوز نشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

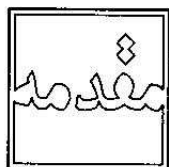
استفاده از کتابهای شادان برای قرار
دادن در سایتهای مختلف - به هر شکل -
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

نسل سکوت در فصل سکوت...

این موضوع را پدران و مادرانی که دو سه دهه از شروع جوانی‌شان گذشته، بیشتر و بهتر درک می‌کنند و حسِ موسیقی از آن دارند.

شاید جوانی و به اصطلاح «جوانی کردن» در فاصلهٔ این سال‌ها، متفاوت شده است که اگر پدر و مادر آن دوره، از ساط‌آتش برای فرزند جوان امروزش بگویند شاید بداند نظر بدو پذیر نباشد. در حقیقت دغدغه‌های متفاوتِ این دو نسل، چنان از هم دور شده است که هر چه بیشتر اصرار بر نهی نندن آن می‌کنی، بیشتر دور می‌شوی!

مگر برای جوانِ امروز باور کردنی است که ارتباط میان دختر و پسر در آن دوران با چه مرارتی بود. نوشتن چند سطر عاشقانه و رساندن به دست معشوق، با هزار ترس و دلهره - چه حکایتی داشته است؟ آیا قبول می‌کند که برداشت و نگاه اطرافیان در آن زمان نسبت به چنین ارتباط ساده و سالمی، غیرقابل قبول بوده است؟ اصلاً وقتی این حرف‌ها (یا خاطرات) را برای امروزی‌ها، با تمام امکانات اجتماعی موجود تعریف می‌کنی مثل نسل دورهٔ قجر به تو نگاه می‌کنند! مگر می‌شود دختر و پسری چند سال در دانشگاه هم کلاس باشند و در احوالپرسی کردن با همدیگر ملاحظه داشته باشند؟ مگر امکان دارد جایی مثل کافی



شاپ‌های امروزی (معادل فارسی‌اش مفهوم را نمی‌رساند!) برای نشستن و گپ زدن‌های دوستانه نبوده باشد؟ اصلاً چه معنایی دارد که پسری برای دختری چند بیت شعر از میان اشعار شاعران کهن یا نو پیدا کند و در محافظه کارانه‌ترین شکل، عشق خود را در لفافه آن اشعار با کلمات پیچیده و سخت! بیان کند؟ امروز با تایپ دو سه کلمه می‌شود ابراز علاقه (و حتی عشق) کرد و دو سه ساعت بعد، از آن فارغ شد. بگذریم که می‌توان در آن واحد از جملات مشابه برای چندین نفر استفاده کرد و خیلی هم عادی به نظر برسد، برای هر دو طرف!

واقعیت آن است که اگر جوان آن دوران بوده باشی، بهتر است خاطرات عاشقانه‌ات را برای نسلان خود نگه‌داری و به امروزی‌ها کمتر توضیحی بدهی. شاید این در نه دستر به پس‌ترحم به تو نگاه کنند! و هیچوقت هم ندانند که تو فرزند سکوت بر روی هستی.

قصه‌گوی امروز در داستان‌ها و خوش تجربه‌های آن سالها را در میان رمان، به مخاطبان خود منتقل می‌کند. شاید هم یکی از مهم‌ترین کارکردهای رمان همین ترسیم حس و حالِ زمان و مکان است به کسانی که کوچکترین قربابتی با آن شرایط نداشته و ندارند. او است نشانی را در بستر لازم پهن می‌نماید، مخاطب را به آن زمان پرتاب می‌کند و او را می‌سازد تا با قصه همراه شود. این گونه است که می‌توان فاصله نسل‌ها را از هم کم کرد و حس نزدیک‌تری به آنان داد تا کمی بهتر یکدیگر را درک کنند.

پس با او همراه شویم تا حس و حال قصه‌اش را درک کنیم: نسله گوی نسل سکوت در فصل سکوت!

بهمن رحیمی

تیرماه ۱۳۹۷ - تهران

